ملائکه را با قسم باسماء حسنی بخواند بر این وجه که در مثال یاد کرده
شد و در آخر هر خواند مائن سطر معرب میخوانند و از اول عمل تا
فراغ از عمل بخور زهره و مشتری بر آتش اندک اندک می نهد
و دیگر آنکه ملائکه را انداحرف دعوة باید کرد اگر در حروف سطر
اول حروف دعوة بیاید آن اولی ست و اگر هم نیاید با آنچه
باید افلان و فلان بی فلان یا فلان و افلان با او فلان
بخواهد فلان و اگر حرف دعوة در وی نیاید همچنان مجرد بگوید
والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب اکنون مثال یاد کرده
میکرد و فرض کنیم که نام طالب داود ست و نام مطلوب سلیمان
و طالع طالب اسد و طالع مطلوب جوزا و بدین مثال بنایع
طالع طالب اسد حروفه ﻫ ط ح طالع مطلوب جوزا حروفه
ق ی ص سطر الامتزاج ﻫ ق ط ی ح ص اسم طالب داود
اسم مطلوب سلیمان د ا و د س ل ی م ا ن سطر الامتزاج
د س ا ل و ی د م ا ن سطر التولد من السطرین این
ﻫ د ق س ط ا ی ل ح و ص م ی علی ترتیب القیاس الاسماء الحسنی
المستخرجة منه الله واحد حمید قدوس هادی الاسماء الملائکه
لوهائیل حولائیل اسمون سطر متولد من کور جوهر منتصل و معرب
بد قسطا لحو صیهد قطمد یا حاصین و چون عدد حروف این
سطر بیست چهار ست خیر را بیست چهار سازد و این کلمات
معرب را بیست چهار بار بخواهد خواندن بغیر از آنکه در آخر اسماء

حسنی

حسنی و اسماء ملائکه هم بیست چهار بار باید خواندن با این عبارت یا
لوهائیل
یا حولائیل یا اسمون بحق الله الواحد الاحد الصمد القدوس الهادی
ان یمزج واجبتی علی سلیمان کی مزجت حروف اسمی بحروف اسمه فاتعلقوا
وفؤاده بمحبتی بحق الله الواحد الاحد الصمد القدوس الهادی بد
قسطا لحو صیهد قطمد یا حاصین و در محبت شرط آنست که علم
معرب بر حریر که فتیل خواهد ساخت بزعفران و گلاب نویسد و از برای
عداوت به سیاهی و بر پوست حمار نقش کند و نزدیک آب دفن
کند و در محبت فتیله را چهار رشته کند و در عداوت سه رشته و بدانکه
بعضی حروف زهره با مشتری نیز بعضی از حروف طالع طالب و مطلوب
نداند با آنکه طالع معلوم نباشد باید که بر جای آن هر دو حروف
زهره که مغذغ ست و حروف مشتری که وزردست بنهد و بر همان
منوال که گفته شد عمل نماید و در آن حروف نهادن چنان نسبت کند که
زهره طالب ست و مشتری مطلوب والله اعلم و در محبت حروف
هر یک شکل را با حروف بروج و کواکب از دو سطر حاصل الطالبین
و اسمین یک حرف از اول سطر الطالبین و یک حرف از اول حرف
الاسمین تا تمام میشود و در صورت عداوت و فرقت مقلوب بعکس باید
کردن و در محبت ملائکه را بحروف دعوة میخوانند و در عداوت
زاد بخوانیم که آن بنزدیک حرف سف م ن ۹ و در محبت سطر
معرب را بر حریر زرد یا سفید مینویسیم و در عداوت بر پاره مانده
از کفن میت یا بر پاره جامه یهودی باید نوشت و در محبت روغن
و عسل در چراغ مسرج میریختیم و در عداوت نفط سیاه و روغن
تندرو پاره مرد روی حل کرده باید ریخت و در چراغ آهنین و هر

الحب در ساعت مشتری
رجعل بکمو بر سوره مزمل
بکمبار و آیة الکرسی بکبار
تحجبل بکمر ثنبه بهمین طریق
بخواند مطلوب بیاید
مجرب ست

یعنی ابتدا از آخر سطر
باید کرد ۱۲۱

بدانکه روز شنبه و یکشنبه
و چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه جمرا
شاید برای ... بغض و عقد جمل
حرارت ... بر حاجت تا زوال
بغض و عقد را از ... اوحد
و وقت ... نفس ... بغض
... عقد نوم ... عمل
... که ماه در ...
و قمر در برج سعد تا برج صالح
... عقد نوم و عقد حمل
کند ماه در ... نحس بود
بدانکه اگر طالع آتشی بلند
نحو بر آب با نحو ... آتشی
قوت دارد و ... العوذ
باد و باید ... باد
... قوت دارد و ... العوذ
خاک باید نوشت و دیگر آتشی
برای آتش قوت دارد و خاک
و آب برای ... باد

Copyright © King Saud University